



فقه و مناسک حج

در ارتباط با امور پزشکی و بهداشتی

سید محمدعلی قتیبی

مقدمه

حج کنگره عظیم جهانی و اجابت دعوت و فراخوان الهی است به زیارت خانه خود و حضور در سرزمین وحی، با کیفیتی که به پیامبران و رسولانش؛ از آدم تا خاتم النبیین علیهم السلام تعلیم داد. این فریضه بزرگ، دارای مسائل فقهی بسیاری است که لحظه به لحظه مورد نیاز حجاج است تا با عمل به آن، مناسک حج را به طور صحیح انجام دهند و آن گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تعلیم داد، این وظیفه بزرگ الهی را برای جلب رضایت حق به اتمام رسانند؛ چنان که قرآن کریم فرمود: ﴿وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾.

احکام و اعمال حج دارای ابعاد گونه‌گونی است؛ همچون گفتن لبیک، پوشیدن لباس احرام، خودداری از انجام محرمات احرام و ماندن در عرفات و مشعر و منا، طواف پیرامون خانه خدا، انجام نماز طواف، حرکت میان صفا و مروه و هروله در آن، رمی جمرات (سنگ زدن به شیطان)، قربانی، کوتاه کردن مو و ناخن (تقصیر) یا تراشیدن سر (حلق).

زیارت بیت الله الحرام علاوه بر امور عبادی گوناگون، دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی، پزشکی، بهداشتی و... نیز می‌باشد و این ابعاد مختلف، از جهاتی مرتبط به یکدیگرند؛ از جمله این ارتباطات، ارتباط احکام فقهی حج با امور پزشکی و بهداشتی است که این ارتباط به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

* بخش نخست، احکام فقهی حج است، صرف نظر از عوارض خارجی آن، و این بخش از دو جهت جای بحث دارد:

الف) جنبه اثباتی و آنچه تأکید کننده بهداشت و مسائل پزشکی در حج است.
ب) احکامی که ابتدا از آن برداشت عدم سازگاری با بهداشت و امور پزشکی می‌شود.

* بخش دوم، مسائلی است که بواسطه عوارض خارجی اتفاق می‌افتد، و موجب اشکال و زحمت در انجام اعمال می‌شود.

بخش نخست

اشاره شد که احکام فقهی حج، صرف نظر از عوارض خارجی آن، از دو جهت جای بحث دارد:

ناحیه اول

آنچه تأکید کننده بهداشت و مسائل پزشکی در حج است و دارای مستحبات و واجباتی است؛ عبارتند از:

۱. مستحبات قبل از احرام و تأکید بر نظافت و بهداشت در شروع حج.

حُرَیْز (از اصحاب امام صادق علیه السلام) گوید: از حضرت در مورد آمادگی برای احرام پرسیدم، فرمودند: «تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ اخْذُ الشَّارِبِ وَ حَلْقُ الْعَانَةِ» آمادگی برای احرام با چند چیز است:

۱. گرفتن ناخن‌ها ۲. کوتاه کردن شارب و موهای پشت لب ۳. تراشیدن موهای شرمگاه

و در روایات دیگر اضافه شده؛ ۴. تراشیدن موهای زیر بغل ۵. مسواک کردن دندان‌ها.^۲

در واقع از آنچه موجب پیدایش بوی عرق و اجتماع میکروب می‌شود، پیشگیری شده است.

۲. لزوم نظافت و طهارت لباس احرام، تا زمانی که شخص محرم است و طهارت بدن و لباس هنگام طواف و نماز آن.

امام صادق علیه السلام در مورد آنچه برای حاجی لازم است، فرمودند: «وَيَلْزِمُكَ نِظَافَةُ النَّيِّابِ»^۳ «لازم است بر تو نظافت لباس.»

و در روایت دیگر در مورد مُحْرَم شدن با پارچه کثیف فرمودند: «با لباس کثیف احرام نپوش.» و در ادامه فرمود: «لَا أَقُولُ إِنَّهُ حَرَامٌ وَ لَكِنْ تَطْهِيرُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ طَهُورُهُ غَسْلُهُ»^۴ «نمی‌گویم حرام است ولی تطهیر آن در نزد من محبوب‌تر است و تطهیر لباس کثیف، به شستن آن است.»

و در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام در مورد لباسی که در حال طواف خونی شده، فرموده‌اند:

«جای خون را نشان کن و از طواف خارج شده، خون را بشوی و آنگاه طواف را ادامه بده.»^۵

روشن است، یکی از حکمت‌های طهارت لباس و بدن، دوری از آلودگی است؛ چنان که استحباب غسل قبل از احرام و غسل قبل از ورود به حرم و غسل برای طواف، یکی از حکمت‌های آن، نظافت و رفع آلودگی است.

۳. استحباب سفید بودن لباس احرام و کراهت سیاه بودن آن.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يُحْرِمُ فِي الثَّوْبِ الْأَسْوَدِ»^۶ «در لباس سیاه احرام بسته نمی‌شود.»

در روایت دیگر آمده است: «أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي تَوْبِي كُرْسُفٍ»^۷ «پیامبر خدا ﷺ در دو پارچه پنبه‌ای سفید رنگ محرم شدند.»^۶

با توجه به این که آلودگی در لباس سیاه مشخص نیست و کثیفی در لباس سفید به خوبی نمایان است، این حکم در اسلام نشانه اهمیت دادن اسلام به دوری از آلودگی در هنگام حج است.

۴. تأکید بر رفع آلودگی پس از انجام اعمال منا

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه **﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾** ^۷ فرموده‌اند: «التَّفَثُ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ طَرْحُ الْوَسَخِ عُنْكَ». مقصود خداوند از این جمله در آیه، گرفتن ناخن‌ها و دور کردن چرک‌ها از خود است.^۸ و در ادامه آیه می‌فرماید: پس از برطرف کردن آلودگی‌ها، طواف حج را انجام دهند؛ **﴿وَ لِيُطَوُّوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾**.

۵. تأکید قرآن بر تطهیر بیت و خانه خودش از آلودگی‌ها

در سوره بقره (آیه ۱۲۵) خطاب به ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام می‌فرماید: **﴿أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ﴾** و در سوره حج (آیه ۲۶) خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده است: **﴿وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ﴾** این دو آیه شریفه، از سویی مربوط به تطهیر بیت الله از آلودگی معنوی و شرک است و از سوی دیگر مربوط است به تطهیر و نظافت ظاهری بیت، چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر همین آیه فرمودند: **«وَ يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لَا يَدْخُلَ إِلَّا وَ هُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَنْهُ الْعَرَقَ وَ الْأَدَى وَ تَطَهَّرَ»** سزاوار است برای بنده خدا که داخل این خانه نشود مگر در حالی که پاک باشد و خود را از عرق و آنچه سبب اذیت دیگران است شست و شو داده باشد.^۹

و در روایت دیگر آمده است که کعبه از بوی تنفس مشرکان به خدا شکایت کرد و خداوند خطاب به او فرمودند: در آخرالزمان قومی را برای زیارت تو می‌فرستم که با چوب درخت، خود را نظافت می‌کنند؛ یعنی دندان‌های خود را با آن مسواک و خلال می‌کنند.^{۱۰}

ناحیه دوم

از برخی احکام، درنگاه نخست، برداشت ناسازگاری با مسائل پزشکی می‌شود؛ مانند:

۱. حرمت گرفتن بینی از بوی بد و سرایت آلودگی از بوهای زباله‌ها و مانند آن؛ **﴿وَ لَا يُمَسِّكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ الرِّيحِ الْخَبِيثَةِ﴾**^{۱۱}

۲. حرمت پوشاندن صورت برای خانم‌ها و نیاز به ماسک زدن برای رفع آلودگی؛ آیا ماسک زدن برای جلوگیری از آلودگی با توجه به اینکه بخشی از صورت پوشانده می‌شود، جایز است یا نه؟ در این جا باید گفت:

اولاً: بعضی از مراجع ماسک زدن را جایز دانسته و آن را مصداق گرفتن بینی از بوی بد نشمرده‌اند و چنین پوششی را از محرّمات احرام نمی‌دانند.

ثانیاً: اگر آلودگی محیط به گونه‌ای است که استفاده از ماسک را ضروری می‌سازد، در چنین وضعیتی، همه مراجع تقلید استفاده از ماسک را جایز می‌دانند و معتقدند که کفاره هم ندارد. بنابراین، سفارش پزشکان به استفاده از ماسک در مواقع ضرورت، اشکال ندارد.

۳. حرمت استفاده از بوی خوش که لازمه‌اش استفاده نکردن از مواد شوینده خوشبو؛ مانند: مایع دستشویی، خمیردندان خوشبو، شامپو و صابون است، آیا موجب باقی ماندن آلودگی‌ها در بدن نیست؟

در پاسخ این پرسش می‌گوییم:

اولاً: چنین نیست که تمام اقلام مواد شوینده بوی خوش داشته باشند، بنابراین، زائر می‌تواند پیش‌بینی لازم را به عمل آورده، از صابون و شامپوی بدون بو برای حال احرام استفاده کند و آلودگی‌ها را برطرف سازد (البته این پیش‌بینی غالباً انجام شده است).

ثانیاً: استفاده از بوی خوش در حال ناچاری اشکال ندارد و حرام نیست. اسماعیل بن جابر گوید: نوعی بیماری بر من عارض شد که از صورتم بوی تعفن استشمام می‌شد و من در حال احرام بودم، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: طیب دارویی تجویز کرده که در بینی خود بریزم و آن دارو بوی خوش دارد؟! امام علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد، دارو را در بینی خود بریز. و این معنا از واژه «سَعُوط» استفاده می‌شود.^{۱۱}

۴. خون در آوردن از بدن جایز نبوده و در دو مورد سبب اشکال است:

* **الف:** در مواقعی که از لته‌ها خون می‌آید، استفاده از مسواک حرام است. راه‌حل این مطلب آن است که از مسواک نرم استفاده شود؛ به گونه‌ای که از لته‌ها خون نیاید. با توجه به این که اسلام بر مسواک زدن به هنگام وضو توصیه کرده است. حتی در هنگام احرام، سفارش به زدن مسواک شده است. معاویه بن عمار (یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام) گوید: از حضرت سؤال کردم مُحرم مسواک بزنند؟ فرمودند: بله، مسواک بزنند. مسواک زدن از سنت‌های اسلام است.^{۱۲}

* **ب:** به هنگام معالجه، ناگزیر از در آوردن خون از بدن باشد، حرام نیست. چنانکه در روایتی از علی بن جعفر نقل شده که گفت: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام

سؤال کردم در مورد مُحَرَمِی که در بدنش تاول و جوش است و او را اذیت می کند، آیا می تواند سر آن تاول را قطع کند؟ «تَكُونُ بِهِ الْبَثْرَةُ تُؤْذِيهِ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَقَطَعَ رَأْسَهَا؟»، حضرت فرمودند: «لَا بَأْسَ»؛ «اشکالی ندارد.» با توجه به این که قطع تاول گاهی سبب خون آمدن می شود.^{۱۴}

و در روایت دیگر آمده است: اگر مُحَرَم جراحی و زخمی دارد که می سوزد و اذیت می کند جایز است آن زخم را بشکافد.^{۱۵}

همچنین در روایتی آمده است: اگر کسی بیماری جَرَب (نوعی بیماری پوستی) دارد، آیا می تواند بدن خود را بخاراند؟ حضرت فرمودند: اشکال ندارد، حتی اگر خون هم بیاید.^{۱۶} و از روایات استفاده می شود که آمپول زدن در حال احرام، در صورتی که سبب خون آمدن از بدن شود، در حال ناچاری اشکال ندارد.

۵. حرام بودن استفاده از کِرم و پماد برای مُحَرَم، با توجه به حرمت روغن مالی کردن بدن. در مواردی که پزشک تشخیص می دهد شخص مُحَرَم باید از پماد یا کِرم استفاده کند، وظیفه او چیست؟

پاسخ این است که استفاده از کرم و روغن در حال ناچاری اشکال ندارد. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: اگر در بدن مُحَرَم تاول یا دمل بود، می تواند آن را بشکافد و با روغن مداوا کند؛ «وَلْيُدَاوِهِ بِسَمْنٍ أَوْ زَيْتٍ».^{۱۷} و در روایات دیگر در مورد کسی که دست و پای او تَرَک دارد، فرموده اند: مداوای آن با روغن اشکال ندارد.^{۱۸}

در نتیجه، استفاده از پماد و کرم در حال ناچاری، برای معالجه اشکال ندارد و اگر بوی خوش نداشته باشد کفاره هم ندارد و اگر پزشک تشخیص داد که باید از پماد در حال احرام استفاده شود عمل به تشخیص او لازم است.

۶. حرام بودن زینت و آرایش در حال احرام، اگر نیاز به استفاده از سرمه برای تقویت چشم باشد - با توجه به این که سرمه از قبیل زینت برای چشم است - وظیفه چیست؟ امام صادق علیه السلام فرموده اند: «إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيَتَكْتَلِ»؛ اگر زن ناگزیر شود، به خاطر تقویت چشم می تواند از سرمه استفاده کند.^{۱۹}

۷. پوشاندن سر و نیاز به پوشاندن آن؛ مثلاً باندپیچی کردن یا استفاده از کلاه برای بعضی از اشخاص در حال احرام.

در روایت آمده است: شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد مُحَرَمی پرسید که گوش او مشکل پیدا کرده بود، به طوری که می ترسید اگر در معرض باد قرار گیرد، از ناحیه گوش مریض شود، آیا چنین کسی می تواند گوش خود را با چیزی ببندد؟ حضرت فرمودند: اشکال ندارد؛ «نَعَمْ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا خَافَ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَلَا» یعنی اگر از مریضی می ترسد اشکال ندارد ولی اگر ناچار نیست و ترسی ندارد که مریضی به وجود آید، گوش خود را نبندد.^{۲۰}

۸. از محرمات احرام گرفتن ناخن است، اما اگر ناخن، مثلاً به خاطر شکستگی، موجب اذیت انسان شود چه باید کرد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: چیدن ناخن در این صورت اشکال ندارد؛ «فَإِنْ كَانَتْ تُؤْذِيهِ فَلْيَقْصُهَا».^{۲۱}

۹. کندن دندان از محرمات احرام است ولی اگر پزشک تشخیص دهد که مُحَرَم نمی تواند تا پایان احرام صبر کند و باید به سرعت دندان را بکشد یا دندان درد، شخص مُحَرَم را اذیت می کند، کشیدن دندان در چنین مواردی که از روی ناچاری است، اشکال ندارد.

از امام صادق علیه السلام در باره مُحَرَمی پرسیدند که دندان درد او را اذیت می کند، آیا می تواند آن را بکشد؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد؛ «...تُوْذِيهِ ضَرْسُهُ أَوْ يَقْلَعُهُ فَقَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ بِهِ».^{۲۲}

۱۰. یکی دیگر از محرمات احرام، کشتن حشرات بدن و حیوانات و جنبندهگان حرم است، اگر حشرات یا حیوانات سبب اذیت انسان شوند.

در روایات آمده است که کشتن آن ها اشکال ندارد؛ جمیل بن درّاج گوید، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر مُحَرَم کک و پشه را بکشد، در صورتی که او را اذیت می کند چگونه است؟ امام علیه السلام فرمودند: اشکال ندارد.^{۲۳}

و در روایت دیگر آمده است: «كُلُّ مَا خَافَ الْمُحْرِمُ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ السَّبَاعِ وَالْحَيَاتِ وَ غَيْرِهَا، فَلْيَقْتُلْهُ، فَإِنْ لَمْ يُرِدْكَ فَلَا تَرُدَّهُ»؛ «هرگاه مُحَرَم از حیوانات درنده یا مارها ترسید، اشکال ندارد که او را بکشد ولی اگر آسیبی به تو نمی رسانند، به آن ها آسیب نرسان».^{۲۴}

۱۱. یکی از محرمات احرام استظلال و رفتن زیر سایه برای مردان است، در حال طی مسیر؛ به همین جهت مردان از ماشین غیر مسقف استفاده می‌کنند و سوار شدن ماشین غیر مسقف گاهی سبب ابتلا به سرماخوردگی و در مواردی موجب گرمازدگی و مانند آن می‌شود.

روایات این مشکل را حل و رفع کرده‌اند:

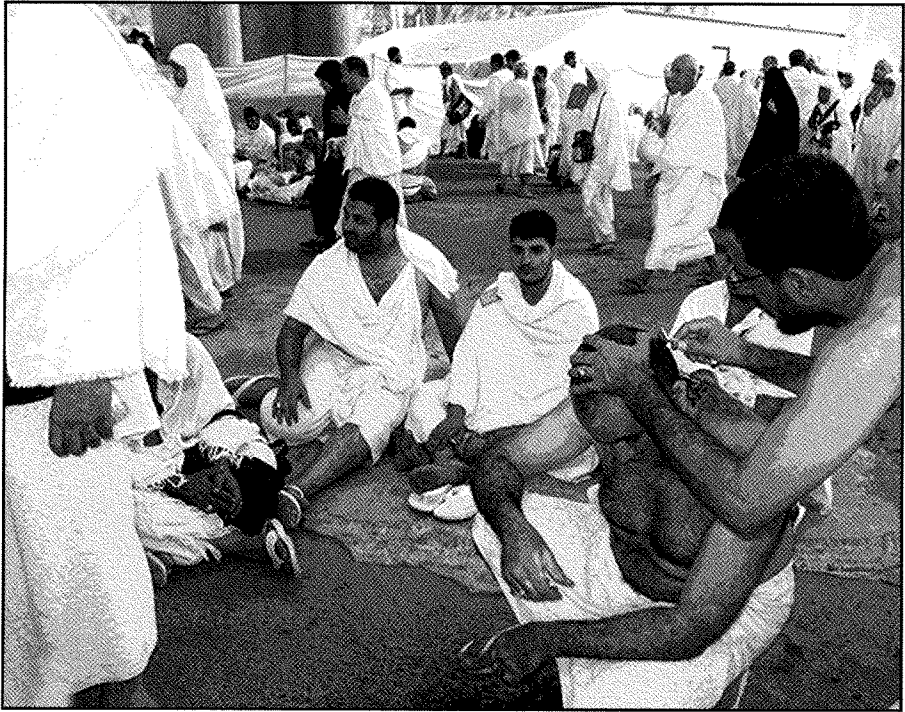
امام هفتم، موسی بن جعفر علیه السلام در ذیل بیان حکم حرمت استظلال و زیر سایه رفتن فرموده‌اند: «إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَنْ بِهِ عِلَّةٌ وَالَّذِي لَا يُطِيقُ حَرَّ الشَّمْسِ» یعنی زیر سایه رفتن حرام است، جز برای سه گروه؛ ۱. افراد مریض ۲. اشخاص ناتوان، مانند پیران و سالخورده‌گان و کسانی که اگر زیر سایه نروند مریض می‌شوند ۳. کسی که طاقت حرارت آفتاب را ندارد و در روایت دیگر گروه چهارمی به این دسته اضافه شده و آنان کسانی هستند که به خاطر سرمای شدید مبتلا به سردرد شوند و نیز در روایتی، گروه پنجم را افزوده‌اند و آن‌ها کسانی هستند که از باران اذیت می‌شوند.^{۲۵}

البته در روایات این باب آمده است که استظلال کند و کفاره دهد ولی زیر سایه رفتن برای او حرمت ندارد. با توجه به این که زن‌ها از نظر جسمی ضعیف‌تر از مردها هستند، زیر سایه رفتن برای آن‌ها از محرمات احرام شمرده نشده است.

۱۲. در روایات آمده است که مرد محرم اگر نیاز پیدا کرد لباس دوخته بپوشد، بر او جایز است به جهت ناچاری لباس دوخته بپوشد و کفاره دهد.^{۲۶}

۱۳. یکی دیگر از احکام و اعمال حج سرتراشیدن است و همانطور که از قرآن استفاده می‌شود باید پیش از ذبح قربانی، سرتراشیده نشود؛ لیکن قرآن کریم در ادامه می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»^{۲۷} «هرکس مریض باشد یا ناراحتی در سر داشته باشد که ناچار است زودتر سرخود را بتراشد، می‌تواند زودتر از زمان مقرر سر خود را بتراشد و عوض آن کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا ذبح گوسفند انجام دهد.»

بنابراین، ناراحتی در سر و مریضی سبب شده است که وظیفه شخص محرم تغییر کند و از اینجا نتیجه می‌گیریم که اگر سر تراشیدن برای کسی مضر باشد؛ مثلاً چون به خاطر تراشیدن



سر، سر او زخم می شود خون او به راحتی بند نمی آید چنین شخصی می تواند سر خود را نتراشد و به تقصیر اکتفا کند.

نتیجه مواردی که بیان شد این است که انجام هر یک از محرمات احرام در حال ناچاری، به خاطر معالجه و غیر آن جایز است و هیچ یک از احکام و دستورات الهی در حج و غیر حج، تعارضی با مسائل پزشکی ندارد، بلکه هماهنگ با امور پزشکی است. قرآن کریم و ائمه معصوم علیهم السلام در هر موردی راه حل آن را بیان فرموده اند.

فراوش نشود که تغییر وظیفه مربوط به موارد ناچاری است و در غیر از موارد ناچاری نمی توان به بهانه دستورات پزشکی حکم الهی را تغییر داد. در موارد ناچاری هم تغییر وظیفه باید بر طبق روایات انجام شود و خود سرانه نمی توان حکمی را تغییر داد، لذا تشخیص وظیفه با مراعات مسائل پزشکی به عهده مراجع تقلید است.

بخش دوم

اموری که به دلیل عوارض خارجی اتفاق می‌افتد عبارت‌اند از:

۱. استحباب یا لزوم خوردن مقداری از گوشت قربانی با توجه به گرمای هوا و آلودگی محیط و سرایت میکروب.

در این مورد باید گفت **اولاً**: خوردن گوشت قربانی در صورتی است که برای بدن مضر نباشد و اگر مضر بود، وجوب یا استحباب ندارد بلکه خوردن آن جایز نیست؛ چنانکه در روایت نبوی مشهور آمده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» که از آن استفاده می‌شود حکم ضرری در اسلام جعل نشده است؛ یعنی در صورت وجود ضرر، حکم وجوب یا استحباب برای خوردن گوشت قربانی منتفی است.

ثانیاً: باید وضعیتی فراهم کرد که از فساد گوشت‌ها جلوگیری شود، این وظیفه مسؤولان و برگزارکنندگان حج است که اخیراً با ساماندهی قربان‌گاه، این مسأله تا حد زیادی تأمین شده است و می‌توان امکانات را به گونه‌ای قرارداد که خود حجاج در منا از گوشت قربانی استفاده کنند و هیچ ضرری به آن‌ها متوجه نشود.

۲. سر تراشیدن و کنیف شدن محیط سرزمین منا.

مشخص است که حکم اسلام به «سر تراشیدن»، هیچ ارتباطی با پیدایش آلودگی محیط ندارد، آنچه سبب آلودگی محیط می‌شود رعایت نکردن مسائل بهداشتی از سوی زائران است؛ چنانکه آلوده شدن محیط از زباله است و این به خاطر ریختن زباله در معابر و اطراف چادرها است. مسؤولان حج و زیارت باید برای برطرف شدن این مشکل فرهنگ‌سازی کنند و تمهیداتی فراهم آورند تا سر تراشی به گونه‌ای باشد که بهداشت کاملاً رعایت شود. اخیراً تا حدی این مسأله رعایت می‌شود.

۳. طواف و سعی و رمی جمرات در حال ازدحام و فشار جمعیت و مشکلاتی که برای زائران پیدا می‌شود؛ مانند احتمال گرفتگی قلب؛ به خصوص برای سالمندان.

در توضیح حکم اسلام در این رابطه باید گفت: در فقه قاعده‌ای وجود دارد با عنوان «لَا حَرَجَ» و آن از قرآن کریم استفاده می‌شود که فرمود: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^{۲۸} این آیه به ما می‌فهماند که هر گاه تکلیفی از تکالیف الهی موجب مشقت و سختی شد، آن

تکلیف از عهده برداشته می‌شود و افرادی که طواف و سعی و رمی برای آنان مشکل ساز است در طواف و سعی و رمی وظیفه دیگری چون نایب گرفتن یا انجام با ویلچر دارند که در مناسک آمده است. همچنین رعایت محدوده طواف به نظر مراجعی که محدوده را شرط می‌دانند، در صورتی که ازدحام باشد و رفتن داخل محدوده مشکل باشد رعایت محدوده لازم نیست.

۴. احتمال سرایت میکروب و انتقال بیماری به جهت زیادی جمعیت و وجود اقوام مختلف که دارای بیماری‌های گوناگون هستند و برخورد مردم با هم در طواف، سعی، عرفات، مشعر و منا همچنین احتمال سرایت میکروب و بیماری در لمس حجرالأسود و کعبه و مقام ابراهیم و بوسیدن این اماکن مقدس.

برای برطرف شدن این مشکل، لازم است مسئولان حج تمهیداتی فراهم کنند تا اشخاص کمتر در معرض آلودگی قرار گیرند؛ تمهیداتی مانند استفاده از ماسک حداقل زمانی که در حال احرام نیستند و ضد عفونی کردن مکان‌ها و استفاده از ظروف یکبار مصرف و سفارش به شست و شوی دست‌ها بعد از دستشویی رفتن و قبل و بعد از غذا و سفارش به حمام رفتن چنانکه خداوند متعال هم فرمود: «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ». همان گونه که پیشتر گذشت، از چیزهایی که از آیه شریفه استفاده می‌شود، نظافت بیت الله و مسجدالحرام برای طواف کنندگان است که باید مراعات شود.

این مطلب؛ یعنی فراهم کردن تمهیدات و پیش‌بینی اموری که اسباب زحمت و اذیت در سفر است، از روایات مربوط به آداب مسافرت استفاده می‌شود. از مواظب لقمان حکیم به فرزندش در آداب سفر آمده است: «وَ إِذَا أَرَدْتُمْ التَّنْزُولَ فَعَلَيْكُمْ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ بِأَحْسَنِهَا لَوْنَا وَ أَلْيَبِهَا تَرْبَةً وَ أَكْثَرَهَا عُشْبًا» هنگامی که خواستی در بین راه اتراق کنی، نیکوترین نقطه از زمین و جایی که خاک آن نرم است و علوفه و گیاه در آن بهتر و زیادتر است را اختیار کن.

و در روایت دیگر آمده است که پیامبر خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ إِذَا سَافَرْتَ فَلَا تَنْزِلَنَّ الْأَوْدِيَةَ فَإِنَّهَا مَأْوَى الْحَيَاتِ وَ السُّبَاعِ»؛ «هنگامی که مسافرت می‌کنی در وادی (فاصله بین دو کوه و منطقه پست بیابان) منزل مکن؛ زیرا جایگاه درندگان است.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام است که هرگاه به سفر مکه مشرف می‌شدند، به همسفران خود فرمود: در این مکان منزل کنید (مکان خاصی در بین راه) و داخل وادی نشوید. راوی گوید: مقداری آنجا توقف کردیم، ناگهان سیل آمد و افرادی که در وادی بودند گرفتار سیل شدند ولی ما آسیبی ندیدیم.

از این روایات استفاده می‌شود در مسافرت، باید کلیه اموری که باعث زحمت و اذیت و مانند آن است پیش‌بینی شود و برای رفع آن تدبیر و چاره‌ای اندیشید.^{۲۹}

۵. از جمله چیزهایی که در این سفر سبب بیماری می‌شود، پرخوری و رعایت نکردن آداب خوردن و آشامیدن است. پس یکی از راه‌های جلوگیری از بیماری در سفر حج دوری از پرخوری است. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ لَاعْتَدَلَتْ أَبْدَانُهُمْ»؛ «اگر مردم در خوراک میانه‌روی می‌کردند، بدن‌های آن‌ها متعادل می‌شد و دچار بیماری نمی‌شدند. در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْبَطْنَ إِذَا شَبِعَ طَغَى»؛ «هنگامی که شکم سیر شود، طغیان و سرکشی می‌کند.» همچنین آن حضرت فرمود:

«إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ - جَلَّ وَ عَزَّ - إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ وَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - إِذَا أَمْتَلَأَ بَطْنُهُ».^{۳۰}

«بنده خدا به خاطر خوراکش طغیان و سرکشی می‌کند و نزدیکترین حالت بنده به خدا زمانی است که شکم او گرسنه باشد و مبعوض‌ترین حالت بنده به خداوند هنگامی است که شکم او پر باشد.»

همچنین فرمود پرخوری در نزد خدا مبعوض است.^{۳۱}

روایت دیگر از امیرالمؤمنین علیه السلام است که به امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم! اگر چهار چیز را مراعات کنی، بی‌نیاز از طب می‌شوی:

۱. تا گرسنه نشده‌ای بر سر سفره ننشین و غذا نخور.
۲. درحالی از سر سفره برخیز که هنوز اشتهای به غذا داری (یعنی کامل سیر نشده‌ای)
۳. غذا را خوب بجو (جویدن)
۴. قبل از خواب دستشویی برو

همچنین در روایات از خوردن بعد از سیری نهی شده و آن را موجب پیدایش بیماری

پسی دانسته‌اند.^{۳۲}

و در روایت دیگر آمده «كُلُّ دَاءٍ مِنْ التَّحَمَةِ إِلَّا الْحُمَى»؛ «منشأ هر دردی، پر بودن شکم

است، جز تب.»

از جمله نکات مهم برای دوری از بیماری‌ها، مراعات آداب غذا خوردن است که به چند

نمونه اشاره می‌شود:

الف) در روایات، آثار زیادی برای شستن دست‌ها، قبل از غذا و بعد از آن، ذکر شده

است:

۱. زیادی رزق و روزی ۲. سلامتی بدن و شفای جسد ۳. زیادی عُمر ۴. برطرف

شدن فقر ۵. زیاد شدن نور چشم ۶. از بین رفتن غم و اندوه ۷. زیاد شدن خیر و برکت

در خانه.^{۳۳}

گفتن «بسم الله...» هنگام خوردن غذا سبب دور شدن ضرر غذا است.

شخصی گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: غذا اذیتم می‌کند. فرمود: در آغاز خوردن

غذا «بسم الله...» نگفته‌ای! عرض کردم: بسم الله را گفتم. فرمود: اگر در بین غذا صحبت

کردی، باز هم «بسم الله...» بگو. در روایت دیگر هم آمده است: برای هر نوع خوراکی یک

«بسم الله...» بگو.^{۳۴}

۳. اگر آغاز و پایان غذا همراه با نمک باشد ۷۰ نوع بلا و بیماری را دفع می‌کند. نمک،

مسیر غذا را ضد عفونی می‌کند.^{۳۵}

۴ و ۵. کراهت «فوت کردن به غذا» و «خوردن غذای داغ».^{۳۶}

این نکات را که بیان شد، باید به زائران آموزش دهیم و به رعایت آن تأکید کنیم تا

بیماری‌ها کم شود.



خاتمه

در اینجا مناسب است چند مطلب یادآوری شود:

اول: اگر پزشکی که متعهد، متخصص و متدین است تشخیص دهد فلان شخص نباید به حج برود؛ اگر تشخیص او این است که سال‌های بعد می‌تواند به حج رود، آن شخص باید حج خود را تأخیر بیندازد و حج برای او فوریت ندارد و اگر تشخیص دهد که آن فرد هیچوقت نباید به حج برود، تشخیص پزشک از نظر شرعی قابل اعتماد است و طبق نظر او عمل می‌شود؛ زیرا یکی از شرایط وجوب حج، استطاعت بدنی است و با این فرض چنین کسی استطاعت بدنی ندارد. لذا در بعضی از موارد، حج به‌طور کلی بر او واجب نیست و در بعضی از موارد لازم است نایب بگیرد و حج به نیابت او انجام می‌شود.

همچنین اگر پزشک تشخیص داد که نمی‌تواند طواف یا اعمال دیگر را انجام دهد، چنین فردی به آنچه وظیفهٔ بیماران و معذورین است و در مناسک مراجع عظام ذکر شده، عمل می‌کند؛ مثلاً طواف یا سعی را با ویلچر انجام می‌دهد یا رمی جمرات را در شب انجام می‌دهد و یا نایب می‌گیرد.

دوم: کسی که به خاطر ناچاری، بعضی از محرّمات احرام را انجام می‌دهد، اگرچه از نظر تکلیفی این کار برای او جایز است و گناهی مرتکب نشده لیکن در بعضی از موارد باید کفاره دهد، کفاره برای جبران آن عملی است که از دست او رفته است، نه برای ارتکاب به گناه و معصیت؛ مانند کسی که مواد خوراکی گرم خورده، برای رفع گرمی لازم است مواد خوراکی خنک بخورد.

سوم: از روایات استفاده می‌شود که آب زمزم شفای هر دردی است که به نیت رفع و بهبود آن می‌نوشد. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مَاءُ زَمَزَمٍ دَوَاءٌ مِمَّا شُرِبَ لَهُ» و در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «مَاءُ زَمَزَمٍ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»؛ «آب زمزم دواي هر دردی است.»^{۳۷} از چیزهایی که توجه به آن ضرورت دارد، خاصیتی است که خداوند در این آب قرار داده است. آب زمزم همانند تربت سیدالشهدا، شفا برای امراض است. مواظب باشیم پرداختن به پزشکی تجربی، موجب غفلت از این خاصیت نباشد که خداوند در آن آب قرار داده است. عمل به دستورات پزشکی، به جای خود و استفاده از این آب شفا بخش هم به جای خود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بقره: ۱۹۶
۲. وسائل الشیعه - باب ۶ ابواب الاحرام ح ۱ و ۳ و ۴
۳. وسائل الشیعه، باب ۷۱، ابواب المزار.
۴. وسائل الشیعه، باب ۳۸، ابواب تروک الاحرام.
۵. وسائل الشیعه، باب ۵۲، ابواب الطواف، روایت ۱
۶. وسائل الشیعه، باب ۲۶ و ۲۷، ابواب الاحرام.
۷. حج: ۲۹
۸. وسائل الشیعه، باب ۱، ابواب الطواف، روایت ۱۳
۹. تفسیر نورالثقلین ذیل آیه شریفه به نقل از علل الشرایع.

۱۰. تفسیر قمی ذیل آیه شریفه.
۱۱. وسائل الشیعه، باب ۲۴، ابواب تروک الاحرام.
۱۲. وسائل الشیعه، باب ۱۹، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۱ و ۳
۱۳. وسائل الشیعه، باب ۷۱، از ابواب تروک الاحرام، حدیث ۴
۱۴. وسائل الشیعه، باب ۷۰، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۹
۱۵. وسائل الشیعه، باب ۷۴، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۱
۱۶. وسائل الشیعه، باب ۷۱، ابواب تروک الاحرام، ح ۳

۲۶. وسائل الشیعه، باب ۹، ابواب بقیة کفارات الاحرام.
 ۲۷. بقره: ۱۹۶
 ۲۸. حج: ۷۸
 ۲۹. وسائل الشیعه، باب ۵۲، از ابواب آداب السفر الى الحج و غیره و باب ۴۸ از همین ابواب، حدیث ۴ و ۵
 ۳۰. کافی، ج ۶، ص ۲۶۹
 ۳۱. وسائل الشیعه، باب ۱، ابواب آداب المائده، حدیث ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳
 ۳۲. وسائل الشیعه، باب ۲، ابواب آداب المائده، حدیث ۷ و ۸
 ۳۳. وسائل الشیعه، باب ۴۹، ابواب آداب المائده.
 ۳۴. باب ۶۱، ابواب آداب المائده.
 ۳۵. وسائل الشیعه، باب ۹۵، ابواب آداب المائده.
 ۳۶. وسائل الشیعه، باب ۹۱ و ۹۲، ابواب آداب المائده.
 ۳۷. کافی، ج ۶، کتاب الاشریه، ص ۳۸۷، حدیث ۵

۱۷. وسائل الشیعه، باب ۳۱، ابواب تروک الاحرام، ح ۱
 ۱۸. وسائل الشیعه، باب ۶۹، ابواب تروک احرام، حدیث ۲ و ۵
 ۱۹. وسائل الشیعه باب ۳۳ ابواب تروک الاحرام ح ۱۴
 ۲۰. وسائل الشیعه، باب ۷۰، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۸
 ۲۱. وسائل الشیعه، باب ۷۷، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۱
 ۲۲. وسائل الشیعه، باب ۹۵، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۲
 ۲۳. وسائل الشیعه، باب ۷۸، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۷ و باب ۷۹، حدیث ۳
 ۲۴. وسائل الشیعه، باب ۸۱، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۱
 ۲۵. وسائل الشیعه، باب ۶۶، ابواب تروک الاحرام، حدیث ۷ و ۱۳ و باب ۶ ابواب بقیة کفارات الاحرام، حدیث ۱ و ۳